

پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه - 16 / بهمن / 1381

رهبر معظم انقلاب اسلامی در منشوری مهم، با تأکید بر لزوم تبدیل «تولید نظریه و فکر» به یک ارزش عمومی و ضرورت تجلیل از نظریه‌سازان و نوآوران، حوزه و دانشگاه را به تشویق و نهادینه کردن جنبش «پاسخ به سؤالات، مناظرات علمی و نظریه‌پردازی روشمند» فراخواندند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با پاسخ مثبت به پیشنهاد جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه تصریح کرده‌اند آن روز که سهم «آزادی، اخلاق و منطق» یکجا و در کنار هم ادا شود آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی در جامعه است.

در نامه جمعی از فضایی حوزه علمیه به رهبر فرزانه انقلاب، با اشاره به رهنمودهای اخیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد ضرورت ایجاد نهضت علمی و آزاداندیشی که فراخوانی تاریخی بشمار می‌رود، پیشنهاد شده است برای «طرح منطقی ایده‌ها»، «رواج بازار نظریه‌پردازی و نوآوری روشمند»، مناظره‌های «علمی، قانونمند، نتیجه‌بخش و فارغ از غوغا سالاری» «نهادسازی برای اجابت پرسشهای جدید» و در نتیجه تولید نرم‌افزار علمی و دینی، کرسی‌های آزاد علمی با حضور هیأت‌های منصفه علمی و تخصصی در دانشگاه و حوزه ایجاد شود.

متن پاسخ رهبر معظم انقلاب اسلامی به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان و برادران عزیز

با همه مضمون نامه شما موافقم و از شما و همفکرانتان در حوزه و دانشگاه می‌خواهم که این ایده‌ها را تا لحظه عملی شدن و ثمر دادن، هر چند دراز مدت، تعقیب کنید. نه مایوس و نه شتابزده، اما باید این راه را که راه شکوفائی و خلاقیت است به هر قیمت پیمود. این انقلاب باید بماند و برنامه تاریخی و جهانی خویش را به بار نشانده و همین که این عزم و بیداری و خودآگاهی در نسل دوم حوزه و دانشگاه نیز بیدار شده است، همین که این نسل از افراط و تفریط، رنج می‌برد و راه ترقی و تکامل را نه در «جمود و تحجر» و نه در «خودباختگی و تقلید»، بلکه در نشاط اجتهادی و تولید فکر علمی و دینی می‌داند و می‌خواهد که شجاعت نظریه‌پردازی و مناظره در ضمن وفاداری به اصول و اخلاق و منطق در حوزه و دانشگاه، بیدار شود و اراده کرده است که سؤالات و شبهات را بی‌پاسخ نگذارد، خود، فی‌نفسه یک پیروزی و دستاورد است و باید آن را گرمی داشت و آنگاه که نخبگان ما نقطه تعادل میان «هرج و مرج» و «دیکتاتوری» را شناسائی و تثبیت کنند، دوران جدید آغاز شده است. آری، نباید از «آزادی» ترسید و از «مناظره» گریخت و «نقد و انتقاد» را به کالای قاچاق و یا امری تشریفاتی، تبدیل کرد چنانچه نباید بجای مناظره، به «جدال و مراء»، گرفتار آمد و بجای آزادی، به دام هتاکي و مسئولیت‌گریزی لغزید. آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق» و سهم «منطق»، همه یکجا و در کنار یکدیگر اداء شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی در این جامعه است و کلید جنبش «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است. بی‌شک آزادیخواهی و مطالبه فرصتی برای اندیشیدن و برای بیان اندیشه توأم با رعایت «ادب استفاده از آزادی»، یک مطالبه اسلامی است و «آزادی تفکر، قلم و بیان»، نه یک شعار تبلیغاتی بلکه از اهداف اصلی انقلاب اسلامی است. من عمیقاً متأسفم که برخی میان مرداب «سکوت و جمود» با گرداب «هرزه‌گوئی و کفرگوئی»، طریق سومی نمی‌شناسند و گمان می‌کنند که برای پرهیز از هر یک از این دو، باید به دام دیگری افتاد. حال آنکه انقلاب اسلامی آمد تا هم «فرهنگ خفقان و سرجنبنیدن و جمود» و هم «فرهنگ آزادی بی‌مهار و خودخواهانه غربی» را نقد و اصلاح کند و فضائی بسازد که در آن، «آزادی بیان»، مقید به «منطق و اخلاق و حقوق

معنوي و مادي ديگران» و نه به هيچ چيز ديگري، تبديل به فرهنگ اجتماعي و حکومتي گردد و حریت و تعادل و عقلانيت و انصاف، سکه رائج شود تا همه اندیشه‌ها در همه حوزه‌ها فعال و برانگيخته گردند و «زاد و ولد فرهنگي» که به تعبير روايات پيامبر اکرم (ص) و اهليت ايشان (عليهم السلام)، محصول «تضارب آراء و عقول» است، عادت ثانوي نخبگان و اندیشه‌وران گردد. بويژه که فرهنگ اسلامي و تمدن اسلامي همواره در مصاف با معضلات جديد و نيز در چالش با مکاتب و تمدن‌هاي ديگر، شکفته است و پاسخ به شبهه نيز بدون شناخت شبهه، ناممکن است. اما متأسفانه گروهی بدنبال سياست‌زدگی و گروهی بدنبال سياست‌زدائی، دائماً تبديل فضاي فرهنگي کشور را به سکوت مرداب گونه يا تلاطم گرداب‌وار، مي‌خواهند تا در اين بلبشو، فقط صاحبان قدرت و ثروت و تريبون، بتوانند تأثيرگذار و جريان‌ساز باشند و سطح تفکر اجتماعي را پائين آورده و همه فرصت ملي را هدر دهند و اعصاب ملت را بفرسايند و درگيري‌هاي غلط و منحط قبیله‌اي يا فرهنگ فاسد بيگانه را رواج دهند و در نتيجه صاحبان خرد و احساس، ساکت و مسکوت بمانند و صاحب‌دلان و خردمندان، برکنار و در حاشيه مانده و منزوي، خسته و فراموش شوند. در چنين فضائي، جامعه به جلو نخواهد رفت و دعوها، تکراري و ثابت و سطحي و نازل مي‌گردد، هيچ فکري توليد و حرف تازه‌اي گفته نمي‌شود، عده‌اي مدام خود را تکرار مي‌کنند و عده‌اي ديگر تنها غرب را ترجمه مي‌کنند و جامعه و حکومت نيز که تابع نخبگان خویش‌اند، دچار انفعال و عقبگرد مي‌شوند. چنانچه در نامه خود توجه کرده‌ايد، براي بيدار کردن عقل جمعي، چاره‌اي جز مشاوره و مناظره نيست و بدون فضاي انتقادي سالم و بدون آزادي بيان و گفتگوي آزاد با «حمایت حکومت اسلامي» و «هدايت علماء و صاحب‌نظران»، توليد علم و اندیشه ديني و در نتيجه، تمدن‌سازي و جامعه‌پردازي، ناممکن يا بسيار مشکل خواهد بود. براي علاج بيماري‌ها و هتاکي‌ها و مهار هرج و مرج فرهنگي نيز بهترين راه، همين است که آزادي بيان در چارچوب قانون و توليد نظريه در چارچوب اسلام، حمايت و نهادينه شود. بنظر مي‌رسد که هر سه روش پيشنهادهي شما يعني تشکيل 1) «کرسي‌هاي نظريه‌پردازي» 2) «کرسي‌هاي پاسخ به سؤالات و شبهات» و 3) «کرسي‌هاي نقد و مناظره»، روشهائي عملي و معقول باشند و خوبست که حمايت و مديريت شوند بنحوي که هر چه بيشتري، مجال علم، گسترش يافته و فضا بر دکانداران و فريبکاران و راهزنان راه علم و دين، تنگ‌تر شود.

بايد «توليد نظريه و فکر»، تبديل به يك ارزش عمومي در حوزه و دانشگاه شود و در قلمروهاي گوناگون عقل نظري و عملي، از نظريه‌سازان، تقدير بعمل آيد و به نوآوران، جايزه داده شود و سخنانشان شنیده شود تا ديگران نيز به خلاقيت و اجتهاد، تشويق شوند. بايد ایده‌ها در چارچوب منطق و اخلاق و در جهت رشد اسلامي با يکديگر رقابت کنند و مصاف دهند تا جهان اسلام، اعاده هويت و عزت کند و ملت ايران به رتبه‌اي جهاني که استحقاق آن را دارد بار ديگر دست يابد.

من بر پيشنهادهي شما مي‌افزايم که اين ایده چه در قالب «مناظره‌هاي قانونمند و توأم با امکان داوري» و با حضور «هيئت‌هاي داوري علمي» و چه در قالب تمهيد «فرصت براي نظريه‌سازان» و سپس «نقد و بررسي» ایده آنان توسط نخبگان فن و در محضر وجدان علمي حوزه و دانشگاه، تنها محدود به برخي قلمروهاي فکر ديني يا علوم انساني و اجتماعي نيز نماند بلکه در کليه علوم و رشته‌هاي نظري و عملي (حتي علوم پايه و علوم کاربردي و ...) و در جهت حمايت از کاشفان و مخترعان و نظريه‌سازان در اين علوم و در فنون و صنايع نيز چنين فضائي پديد آيد و البته براي آنکه ضريب «علمي بودن» اين نظريات و مناظرات، پائين نيايد و پخته‌گوئي شود و سطح گفتگوها نازل و عوامانه و تبليغاتي نشود، بايد تمهيداتي انديشيد و قواعدی نوشت. اينجانب با چنين طرحهائي همواره موافق بوده‌ام و از آن حمايت خواهم کرد و از شوراي محترم مديريت حوزه علميه قم مي‌خواهم تا با اطلاع و مساعدت «مراجع بزرگوار و محترم» و با همکاري و مشارکت «اساتيد و محققين برجسته حوزه»، براي بالندگي بيشتري فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسير و ساير موضوعات تحقيق و تأليف ديني، و نيز فعال کردن «نهضت پاسخ به سؤالات نظري و عملي جامعه»، تدارک چنين فرصتي را ببينند. از شوراي محترم انقلاب فرهنگي و بويژه رياست محترم آن نيز مي‌خواهم که اين ایده را در اولويت دستور کار شورا براي رشد کليه علوم دانشگاهي و نقد متون ترجمه‌اي و آغاز «دوران خلاقيت و توليد» در عرصه علوم و فنون و صنايع و بويژه رشته‌هاي علوم انساني و نيز معارف اسلامي قرار

دهند تا زمینه برای اینکار بزرگ بتدریج فراهم گردد و دانشگاه‌هایی ما بار دیگر در صف مقدم تمدن‌سازی اسلامی و رشد علوم و تولید فناوری و فرهنگ، قرار گیرند. بی‌شک هر دو نهاد از طرح‌های پیشنهادی فضلا دانشگاهی و حوزوی و از جمله طرح شما، استفاده خواهند کرد تا با رعایت همه جوانب مسئله، جنبش «پاسخ به سؤالات»، «مناظرات علمی» و «نظریه‌پردازی روشمند» را در کلیه قلمروهای علمی حوزه و دانشگاه، نهادینه و تشویق کنند. امیدوارم که مراحل اجراء این ایده، دچار فرسایش اداری نشده و تا پیش از بیست و پنجمین سالگرد انقلاب، نخستین ثمرات مهم آن آشکار شده باشد. والله المستعان.

والسلام علیکم ورحمه الله

16/11/1381

متن نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمی

بسمه تعالی

محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ادام الله توفیقاته

با عرض سلام و ادب

سخنان مکرر حضرت‌تعالی و بویژه بیانات ارزشمند شما در دیدار با اعضای محترم انجمن قلم مورخه 08/11/1381 در تشویق به نهضت علمی و آزاداندیشی، یک فراخوان تاریخی است که اگر بدرستی از سوی نخبگان و متصدیان فرهنگ کشور، درک و تعقیب گردد، نقطه عطفی در حیات انقلاب بوده و اگر بی‌پاسخ بماند، علامت سؤال و تعجب بر رفتار همگان است.

امام راحل (قدس سره)، بارها از ضرورت تحول هدایت شده در حوزه و دانشگاه، سخن گفتند. مصلحانی چون شهید مطهری و شهید بهشتی نیز در این راه سرمایه‌گذاری کردند و شخص حضرت‌تعالی از سال‌های پیش از انقلاب تا هم اکنون، بارها و بارها تحول حساب شده در حوزه، اجتهاد دینی و نواندیشی علمی، جنبش نرم‌افزاری برای تولید انبوه علم در حوزه و دانشگاه را جزء آرمان‌های اصلی انقلاب دانسته‌اید و بارها به آزاداندیشی توأم با انضباط و گفتگوی توأم با اخلاق، دعوت کرده‌اید.

اینک دهه سوم از یک انقلاب پیروز و یک حکومت جدید را تجربه می‌کنیم که علیرغم همه مدلهای تحمیلی جهان، متولد شده است. گرچه پیشرفتهای مهمی در 24 سال گذشته، حادث شده و حوزه و دانشگاه، رشد غیرقابل انکاری داشته‌اند اما روشن است که این مقدار، برای کاری که در پیش است و برای برداشتن موانع بعدی از سر راه نظام‌سازی و جامعه‌پردازی، هرگز کافی نبوده و این موجودی، در برابر سیل ترجمه و هجوم رسانه‌ای غرب و کمیت بالای تولید و تبلیغ آن در حوزه فکر و اخلاق و حقوق و حکومت و در فرهنگ زندگی و خانواده و اقتصاد و حتی روش تغذیه و لباس، بقدر کافی، کاری از پیش نخواهد برد و در دراز مدت، برخی دستاوردهای پیشین نیز با خطر ارتجاع به فرهنگ وابستگی پیش از انقلاب، مواجه خواهد بود. تنها راه پیش پای ما، ارتقاء کمیت و کیفیت در تولید فکر و علم در حوزه و دانشگاه است و تا وقتی که «تولید» بر ترجمه و تکرار و نیز «اجتهاد» بر تقلید، فزونی نیابد، سیر جوامع اسلامی همچنان قهقرائی خواهد ماند و امت اسلام و ملت ایران علیرغم همه فداکاریها در صحنه تمدن، فرو دست خواهند بود.

یکی از عوامل اصلی زمینه‌ساز برای تولید «علم و نظریه» و نهضت نرم‌افزاری، همانا سالم‌سازی گفتگوها و سپس تضمین بقاء این فضای سالم و علمی برای مباحثه و گفتگوست زیرا آنگاه که تعادل در کار نباشد، جامعه علمی و فرهنگی ما در نوسان بین «سکوت» و «هرزه‌گوئی» خواهد پژمرد. حوزه و دانشگاه برای رشد به فضائی دور از افراط و تفریط نیازمندند که در آن، از سوءظن و بدبینی و ضیق صدر و از کفرگوئی و بی‌ادبی و حریم شکنی، خبری نباشد، فضائی باز و اسلامی که در آن نه بمحض شنیدن فکر تازه، به یکدیگر تهمت و افتراء بزنیم و نه تحت عنوان «نواندیشی»، مرزهای حقیقت و فضیلت را برچینیم و ترک اصول کنیم. در این فضا است که تفاوت «اصول‌گرایی»

با «تحریر» و تفاوت «نواندیشی» با «بدعت‌گذاری»، روشن خواهد شد. جامعه دینی به «آزادی» بدون هرج و مرج و به «ارزش‌باوری» بدون قشری‌گری، نیاز مبرم دارد و برای مبارزه با افراط و تفریط، بهترین و شاید تنها راه حل، همانا تعریض و تضمین مسیر «تعادل» است. از بزرگانی چون شما که برای آزادی بمثابه یک ارزش اسلامی، سالها زندان و تبعید را تحمل کرده‌اند، بارها شنیده‌ایم که آزادی، نه تنها دادنی و گرفتنی بلکه آموختنی است. آنچه امروز ضرورت فوری دارد، همین نهادینه کردن آزادی‌های فراهم آمده در جمهوری اسلامی و ترویج ادب استفاده از آن است که باید از راه نهاد سازی برای گفتگوهای شفاف و مستدل در همه قلمروهای علمی و دینی در دانشگاه و حوزه صورت گیرد بنحوی که صریحا تحت الحمايه نظام باشد و فرهنگ «مناظره و اجتهاد و تولید نظریه» را حمایت و هدایت و بلکه تشویق کند. بی‌شک فرهنگ «تولید علم»، یک فرهنگ ریشه‌دار اسلامی است که به جامعه دینی بالنده‌تر و حکومت دینی پیشروتر خواهد انجامید و روشن است که اگر فضای علمی، نهادینه نشود، ما هرگز تولید نرم‌افزار علمی و دینی بقدر لازم نخواهیم داشت وبدون این نرم‌افزار، تداوم «حکومت دینی» در عصر تراکم نرم‌افزارهای غیردینی و ضددینی، بسیار مشکل و احيانا صوري خواهد شد. «مناظره و نظریه‌پردازی» در چارچوب محک‌مات اسلام و با رعایت اخلاق و منطق علمی، یک ارزش دیرینه در فرهنگ اسلام و یک روال جاری در حوزه‌های علمیه بوده است و تاریخ فقه، اصول، کلام، تفسیر و فلسفه و سایر معارف دینی ما اعم از عقلی و نقلی، سرشار از «مناظره و نظریه‌پردازی» است و اصولا مفاخر علمی حوزه، همواره با نقد نظریات دیگران زمینه رشد و شکوفایی یافته‌اند.

گرچه هم اکنون نیز «مناظرات و نظریه‌پردازی»، کما بیش در جامعه علمی ما جریان دارد اما چون بدرستی نهادینه، قانونمند و گاه حمایت و هدایت نمی‌شود و جمع‌بندی دقیقی از آنها صورت نمی‌گیرد و به تجربه انباشته، تبدیل نمی‌شود عملا کم تأثیر شده و در نتیجه، بتدریج مجتهدان و مولدان و صاحبان خرد و دل بنفع پاچال‌داران، سیاسی‌کاران و مترجمان و یا متحجران، صحنه را ترک می‌کنند و آنگاه فرصت‌طلبانی که با طرح خام و ناقص مسائل تخصصی در قلمروهای غیرتخصصی و با عدم پاسخگوئی و نیز تبدیل فکر و نظریه به ابزار عوامفریبی، عملا فضای علمی و فرهنگ دینی را تحت الشعاع جنجال‌های ضددینی و غیر علمی قرار می‌دهند، فضای فرهنگی کشور را عقیم، غیرمولد و صرفا پرسروصدا و کم محتوي می‌سازند و این نوسان میان افراط و تفریط، همچنان ادامه خواهد یافت و مفاهیم جدیدی تولید نخواهد شد و ما همچنان مصرف کننده فرهنگ و تمدن دیگران باقی مانده و تحقیر خواهیم شد.

اینک فرصت را مناسب می‌دانیم و از حضرتعالی که خود در این قلمرو، فتح باب فرموده‌اید، می‌خواهیم که در این زمینه، عملا نیز راهنمائی و مساعدت بفرمائید تا شاید با یک بسیج عمومی و حمایت نهادینه از سوي تصمیم‌گیران فرهنگی و متصدیان محترم حوزه و دانشگاه، در جهت ایجاد «کرسی‌های آزاد علمی» با حضور هیئت‌های منصفه علمی و تخصصی و در محضر وجدان عمومی حوزه و دانشگاه، شاهد «طرح منطقی ایده‌ها»، رواج بازار «نظریه‌پردازی و نوآوری روشمند» و نیز «مناظره‌های علمی و قانونمند و نتیجه بخش و فارغ از غوغاسالاری» و «نهادسازی برای اجابت پرسش‌های جدید» و در نتیجه، «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» در حوزه و دانشگاه بیش از قبل باشیم. آرزو می‌کنیم که پاسخ این نامه در آستانه جشن بیست و چهارمین سالگرد انقلاب اسلامی، بشارتی باشد که به جامعه علمی حوزه و دانشگاه داده می‌شود.

بدیهی است که در مورد چگونگی اجراء چنین طرحی، پیشنهادهای عملی نزد امضاء کنندگان این متن و سایر همفکران در حوزه و دانشگاه وجود دارد که نهادهای مسئول می‌توانند، پیگیری کنند.

والامرالیکم

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته

جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه

13/11/1381

اسامي جمعي از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علميه كه اين نامه را به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامي ارسال كرده‌اند به اين شرح است: آقايمان و حجج اسلام عليرضا اعرافي - حسن رحيم‌پور ازغدي - صادق لاريجاني - رسول جعفريان - محمدرسروش محلاتي - جواد محدثي - محسن قمي - حميدپارسانيا - سيدعباس صالحی - عبدالرضا ايزدپناه و محمدتقي سبحاني